

بازشناسی اطلاعات مالی در ترازوی حقوق اموال و مالکیت

سید منصور میر سعیدی* ، الهام سلیمان دهکردی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۹ - تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۲/۱۲)

چکیده

اطلاعات مالی نقش مهمی در شکوفایی اقتصادی و رشد نظام رقابت تجاری دارد و موضوع علوم مختلفی چون اقتصاد، حسابداری و غیره می باشد. با وجود این یکی از چالش های مهم در این مورد شناسایی مفهوم این اطلاعات است چرا که با شناخت مفهوم آن، قانون گذار می تواند تمهیدات مدنی و کیفری لازم را برای حفاظت از آنها پیش بینی کند. در خصوص مفهوم این اطلاعات، چهار احتمال وجود دارد. بر اساس احتمال نخست، اطلاعات مالی تنها یکی از مصادیق اسرار تجاری است و به حوزه ی حقوق مالکیت فکری مربوط می شود، بر اساس احتمال دوم، اطلاعات مالی، اطلاعاتی است که هر گونه سوء استفاده از آنها منجر به ورود خسارت مالی و تجاری می گردد، بر اساس احتمال سوم، اطلاعاتی که بر روی سه مولفه ی هزینه، درآمد و حقوق صاحبان سرمایه اثر می گذارد، مالی است و بر اساس احتمال چهارم اطلاعاتی که دارای ارزش مالی است، مالی محسوب می شود. از بین چهار احتمال موصوف، احتمال چهارم با منطق حقوقی سازگارتر است چرا که اطلاعات مالی با تمام ملاک های مال بودن اشیاء تطبیق پذیر است.

واژگان کلیدی: مال، ارزش اقتصادی داشتن، اسرار تجاری، اطلاعات مالی.

*استادیار حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

mansourmirsaeedi@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

soleiman.elham@gmail.com

مقدمه

اطلاعات مالی با آن که عنوان روشنی دارد اما به لحاظ مفهومی دارای پوشیدگی و ابهام است. این ابهام از این روست که مفهوم این اطلاعات مشخص نیست، به عبارت بهتر مشخص نیست که آیا در نظام حقوقی ایران این اطلاعات به سان اطلاعات سیاسی، اقتصادی و غیره دارای وصف مستقل است یا این که این تعبیر مسامحتاً استعمال شده و مراد از آن، اطلاعات دارای ارزش مالی است؟ با تدقیق در نظام تقنینی ایران به نظر می‌رسد اساساً وصفی به نام اطلاعات مالی وجود ندارد. قانون‌گذار در قوانین مختلف تنها در یک مورد از تعبیر اطلاعات مالی استفاده نموده و آن ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیک است. در این ماده اطلاعات مالی یکی از مصادیق اسرار تجاری قلمداد شده‌اند. با تدقیق در ویژگی‌های اسرار تجاری در ذیل همین ماده به نظر می‌رسد، قانون‌گذار اوصاف مال را به این اسرار تسری داده و آن‌ها را به نوعی مال تلقی نموده است به عبارت دیگر قانون‌گذار برای این اسرار ارزش مالی قائل شده‌اند نه برای اطلاعات؛ بنابراین محل اصلی بحث مالیت داشتن اطلاعات یا قائل شدن ارزش مالی برای اطلاعات است. همان‌طور که میدانیم حقوق دانان و فقها برای تشخیص مال بودن یا نبودن ملاک‌هایی را ارائه داده‌اند. برخی از حقوق دانان معتقدند که مال چیزی است که دارای ارزش اقتصادی باشد.^۱ گروهی دیگر مال را چیزی دانسته‌اند که مورد داد و ستد واقع می‌شود و مردم در قبال آن پول پرداخت کنند.^۲ عده‌ای از فقها معتقدند مال آن چیزی است که نزد مردم مطلوب و مرغوب باشد به گونه‌ای که نیازهای مردم را بر آورده سازد و دسته‌ای دیگر از فقها معتقدند مال آن چیزی است که دارای منافع مشروع و حلال باشد.^۳ در گذشته مال ویژه‌ی کالای عادی بود ولی پیشرفت‌های زندگی کنونی به تدریج آن را از این معنای محدود و ابتدایی خارج ساخت؛ چندان که امروزه به تمامی عناصر گوناگون دارایی اعم از عینی یا اعتباری مال اطلاق می‌شود. در گذشته معیار تشخیص مال، مطلق بود یعنی آن چیزی که از دید نوع افراد مالیت داشت و دارای ارزش مالی بود اما حقوق دانان امروزه معیار جدیدی ارائه داده‌اند که ملاک تشخیص این امر را شخصی می‌دانند و آن چه را که در رابطه‌ی بین دو طرف قرارداد ارزش مالی داشته باشد، مال محسوب می‌کنند؛ با وجود این

۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). *حقوق مدنی اموال و مالکیت*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر، ص ۱۴.

۲. امامی، سید حسن. (۱۳۷۷). *حقوق مدنی*، جلد اول، تهران، انتشارات اسلامیه، ص ۲۶.

۳. باریکلو، علیرضا. (۱۳۹۰). *اموال و حقوق مالی*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ص ۵۶.

تعریف از مال و این معیار برای تشخیص مال، هنوز شبهه‌ی مطروح در فوق به قوت خویش باقی است و مرز میان مال و اطلاعات مبهم است به عبارت بهتر مشخص نیست که آیا اطلاعات نیز دارای ارزش مالی هستند؟ بنابراین در طی مقاله‌ی حاضر به تبیین مفهوم اطلاعات مالی پرداخته و سپس به اقسام این اطلاعات و جایگاه آنها در نظام تقنینی ایران اشاره می‌شود.

گفتار نخست: اطلاعات مالی

اطلاعات مالی یک تعبیر مبهم و چند پهلو است که می‌توان در تفسیر آن چهار احتمال مطرح ساخت. احتمال نخست این است که این تعبیر، یک ترکیب وصفی است که شبیه به سایر ترکیب‌های وصفی همچون اطلاعات سری، نظامی، سیاسی و غیره دارای محدوده‌ی مشخص و تعریف شده است. احتمال دوم این است که این تعبیر دارای محدوده‌ی دقیق و تعریف شده‌ای نیست و هرگونه اطلاعاتی که دارای کارکرد مالی، تجاری و اقتصادی باشد جزو قلمرو این اطلاعات است؛ به عبارت دیگر هرگونه اطلاعاتی که سوء استفاده از آنها منجر به ورود خسارت مالی و تجاری شود، ذیل این دسته از اطلاعات قرار می‌گیرد. احتمال سوم این است که هر چند این تعبیر در نظام حقوقی ما تعریف نشده اما با تدقیق در پاره‌ای از مصادیق اطلاعاتی که به عنوان اطلاعات مالی معرفی شده‌اند همانند اطلاعات حسابداری می‌توان فهمید که هر اطلاعاتی که بر روی هزینه، درآمد و حقوق صاحبان سرمایه اثر گذارد، اطلاعات مالی محسوب می‌شود و احتمال چهارم این است که اساساً وصفی به نام اطلاعات مالی در نظام حقوقی ما به رسمیت شناخته نشده و هرگونه اطلاعاتی با هر وصفی در صورت دارا بودن ارزش اقتصادی، اطلاعات مالی محسوب می‌شود به عبارت دیگر آن چه از این تعبیر به ذهن متبادر می‌شود، اطلاعات دارای ارزش مالی است. در ادامه به توصیف هر یک از این احتمالات و ارزیابی آنها با توجه به ظرفیت‌های نظام حقوقی موجود پرداخته شده است.

بند نخست: اسرار تجاری قلمداد کردن اطلاعات مالی

احتمال نخست این است که اطلاعات مالی در حقوق ایران در زمره‌ی مصادیق اسرار تجاری هستند. قانون گذار در ماده‌ی ۶۵ قانون تجارت الکترونیک، اطلاعات مالی را به عنوان یکی از مصادیق اسرار تجاری بر شمرده است. در این ماده از قانون آمده: «اسرار تجاری الکترونیکی، داده پیامی است که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم افزارها و برنامه‌ها، ابزارها، تکنیک‌ها و

فرایندها، تالیفات منتشر نشده، روش های انجام تجارت و دادو ستد، فنون، نقشه ها و فراگردها و امثال اینهاست که به طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاش های معقولی برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است. طبق این ماده ی قانونی این اسرار از سه عنصر دارا بودن ارزش مستقل اقتصادی، محرمانه بودن و حفاظت شدن با استفاده از تدابیر معقول توسط دارنده تشکیل می شوند. اسرار تجاری به لحاظ اقتصادی ارزشمند هستند. این اسرار به مثابه ی کالای سرمایه ای ارزشمندی هستند که نقش مهمی در سوددهی شرکت ها و بنگاه های تجاری ایفا می کنند و افراد حاضر اند در قبال دریافت آنها پول پرداخت کنند. این اسرار «مستقلا دارای ارزش» هستند. در خصوص این تعبیر دو برداشت وجود دارد: برداشت نخست این است که این اسرار مال تلقی می شوند و فی نفسه ارزشمند هستند و افراد حاضراند در قبال دریافت آنها پول پرداخت کنند.^۱ برداشت دوم این است که این اسرار فی نفسه ارزشمند نیستند بلکه محرمانه بودن این اطلاعات است که باعث ارزشمندی آنها می شود زیرا به شخص اجازه می دهد تا به طور موثر در آن صنعت و یا حرفه با سایرین رقابت کند.^۲ این استدلال از بند ب ماده ۳ (۱۸۳۹) قانون جاسوسی اقتصادی ایالت متحده ی آمریکا مصوب ۱۹۹۶ ناشی شده است. در این بند آمده: «اطلاعاتی که به صورت بالفعل یا بالقوه از آن جهت که برای عموم ناشناخته اند دارای ارزش اقتصادی هستند».^۳ در مورد عنصر دوم یعنی محرمانه بودن می توان گفت که اگر اطلاعات در دسترس عموم باشند یا در تجارت یا حرفه ای که به کار گرفته می شوند عموما شناخته شده باشند، آن اطلاعات دیگر تجاری نیستند، به عبارت بهتر ملاک آگاهی عمومی است.^۴ ممکن است از سری چند شخص استفاده کنند و با این حال در آن حرفه و قوف عمومی نسبت به آن اطلاعات وجود نداشته باشد، بنابراین زمانی اطلاعات افشاء شده محسوب می شوند که به سهولت در دسترس عموم قرار گرفته باشند یا در نزد صاحبان حرفه ای خاص شناخته شده باشند، یعنی علاوه بر دارنده ی این اطلاعات سایر اشخاص نیز

۱. رهبری، ابراهیم، (۱۳۸۸). «نقش قراردادهای محدود کننده در حمایت از اسرار تجاری مطالعه در حقوق آمریکا، انگلستان، فرانسه و ایران»، مجله ی تحقیقات حقوقی، شماره ی ۵۰، ص ۵۳۲.

۲. باقری، محمود و گودرزی، مریم، (۱۳۸۸). «مقایسه ی نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع»، فصلنامه ی حقوق، مجله دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ی ۳۹، شماره ی ۱، ص ۴۲.

۳. این اطلاعات گاه به طور غیر مستقیم برای دارنده ارزش اقتصادی دارند اما قابل تقویم به پول نیست مانند اطلاعات محرمانه ی مالی و اداری که از لحاظ رقابتی واجد اهمیت بسیاری است اما قابل تقویم به پول یا انتقال به دیگران نیستند، اگر چنین مفهوم مضیقی از ارزش اقتصادی مستقل را بپذیریم آن گاه باید میان ارزش اقتصادی و ارزش رقابتی اسرار تجاری قائل به تفکیک شویم.

۴. رهبری، ابراهیم، (۱۳۸۸). حقوق اسرار تجاری، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ص ۵۳.

به آن اطلاعات دسترسی داشته باشند و سرانجام این که دارنده ی این اطلاعات باید تدابیر معقول و متعارفی جهت حفظ این اسرار اتخاذ کرده باشد. بر این اساس اطلاعات باید به نحوی که شایسته ی آنها است حفظ شود. از این رو قرار دادن اطلاعات تجاری در یک وب سایت عمومی که هر لحظه در معرض حملات مهندسی اجتماعی قرار می گیرد، آن را از محرمانه بودن خارج می سازد. این اطلاعات در امور تجاری مورد استفاده قرار می گیرند و مزیت اقتصادی برای دارنده نسبت به رقبا ایجاد می کنند. ماده ی (۳) ۱۸۳۹ قانون جاسوسی اقتصادی ایالت متحده ی آمریکا مصوب ۱۹۹۶ نیز در تعریف اسرار تجاری، تمامی اشکال و انواع اطلاعات مالی را صرف نظر از چگونگی ذخیره، گردآوری یا یادآوری سر تجاری قلمداد نموده است، با این حال هنوز یک شبهه وجود دارد و آن این که در این ماده تعریف و قلمرو شمول این اطلاعات مشخص نیست. به عبارت دیگر هر چند در این ماده اطلاعات مالی به عنوان یک وصف مستقل و به عنوان یکی از مصادیق اسرار تجاری بیان شده اند، اما مشخص نیست که منظور از قید مالی در این تعبیر چیست؟ آیا اگر اطلاعاتی اوصاف سر تجاری را داشته باشند، اطلاعات مالی به شمار می روند یا این که علاوه بر این اوصاف این اطلاعات باید منحصر در زمینه ی امور مالی نیز باشند؟ در کتب موجود در این حوزه اغلب نویسندگان اطلاعاتی مانند هزینه ها، درآمدها، اطلاعات بودجه و سود را در صورتی که دارای اوصاف اسرار تجاری باشند، اطلاعات مالی قلمداد نموده اند و تعریفی از آنها ارائه نکرده اند. با تدقیق در این مصادیق به نظر می رسد اکثر این امور مرتبط با امور مالی هستند؛ با این حال صحیح این بود که خود مقنن در قانون تجارت الکترونیک به توصیف دقیق این اطلاعات می پرداخت و نه این که صرفاً ضابطه ای را جهت شناخت اسرار تجاری ارائه دهد چرا که وقتی مقنن در این ماده از ارزشمندی این اسرار به لحاظ اقتصادی سخن به میان می آورد یعنی همه ی اسرار تجاری ارزش مالی دارند، پس دیگر ضرورتی به بیان اطلاعات مالی به عنوان یکی از مصادیق این اسرار وجود نداشت؛ همچنین در این ماده تنها از اسرار تجاری در بستر مبادلات الکترونیک بحث شده و تکلیف این اسرار در فضای سنتی روشن نشده است و در نهایت این که مقنن در این قانون تکلیف اطلاعاتی را که در زمینه ی مالی هستند یا دارای ارزش مالی اند اما واجد اوصاف اسرار تجاری نیستند را روشن نکرده است، به عبارت دیگر مشخص نیست که آیا این اطلاعات اساساً اطلاعات مالی قلمداد نمی شوند یا تنها سر تجاری نیستند، بنابراین این احتمال توصیف روشنی از این اطلاعات ارائه نمی دهد.

بند دوم: اطلاعاتی که استفاده از آنها منجر به خسارت مالی می شود

احتمال دوم این است که اطلاعات مالی اطلاعاتی هستند که هر گونه سوء استفاده از آنها منجر به ورود خسارت مالی یا تجاری به اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی می شود به عبارت دیگر ضابطه ی تشخیص این اطلاعات ورود خسارت از جنس مالی است. این احتمال از ماده ی ۱۶ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات نشأت گرفته است. در این ماده آمده: «در صورتی که برای موسسات مشمول این قانون با مستندات قانونی محرز باشد که در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده، جان یا سلامت افراد را به مخاطره می اندازد یا متضمن خسارت مالی یا تجاری برای آنها باشد باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات امتناع کنند». بنابراین بر اساس این ماده دیگر تفکیکی میان اطلاعات مالی و غیر مالی وجود ندارد و تنها نوع زیانی که در اثر سوء استفاده از اطلاعات پدید می آید، اهمیت دارد به عنوان نمونه هر چند اطلاعات مربوط به عزل شدن هیات مدیره ی یک شرکت، خبر غیر مالی است اما در صورتی که انتشار یا افشاء آن زیان مالی یا تجاری به شرکت وارد سازد، این خبر نیز در زمره ی اطلاعات مالی و تجاری قرار می گیرد. به این احتمال نیز از چند جهت خدشه وارد است: نخست این که ضابطه ی ارائه شده مبهم است. قانون گذار به درستی تعیین نموده که آیا ضرر لزوماً باید در عالم خارج محقق شود یا این که احتمال ورود ضرر مالی و تجاری نیز در اثر افشاء کفایت می کند؟ به عبارت دیگر آیا ضرر باید مسلم، موجود و قطعی باشد یا ضرر بالقوه نیز ذیل شمول این ماده قرار می گیرد؟ ثمره ی پاسخ به این پرسش این است که اگر ضرر بالقوه را در حوزه ی اقتصادی ضرر به حساب آوریم، قلمرو شمول اطلاعات مالی گسترده می شود و اگر نه، قلمرو این اطلاعات ضیق و محدود می شود. ایراد دیگر این است که میزان ورود ضرر مالی و تجاری مشخص نیست به عبارت دیگر در این ماده اشاره نشده که اگر در اثر افشاء اطلاعات صرفاً خسارت مالی و تجاری اندکی پدید آید آیا این اطلاعات نیز مالی محسوب می شوند یا خسارت باید کلی و هنگفت باشد؟ در همین رابطه قانون گذار حتی ضابطه ی تقویم میزان خسارت را نیز تعیین ننموده است و به طور ضمنی آن را به مراجع قضایی^۱ واگذار کرده که این امر باعث می شود این مراجع حتی شایعات و احتمالات را نیز اطلاعات مالی قلمداد کنند و قلمرو شمول این اطلاعات را توسعه بخشند که این که مقنن در تعریف شایعه در بند ۷ ماده ی ۱ دستورالعمل افشای اطلاعات شرکت های ثبت شده نزد سازمان مصوب ۱۳۸۶ نیز قائل به همین نظر بوده است. در این ماده گونه آمده: «شایعه اخباری حاکی از

۱. این موضوع علاوه بر آن که واجد جنبه ی حقوقی و قضایی است، واجد جنبه های اقتصادی، مالی و حسابداری نیز است. در مراجع قضایی تقویم خسارت را به کارشناس واگذار می کنند که نظر کارشناس نیز مشورتی است و طریقت دارد نه موضوعیت.

وجود اطلاعات مهمی است که به طور غیر رسمی منتشر شده و توسط ناشر تایید و تاکید نشده است و احتمال می رود بر قیمت اوراق بهادارناشر تاثیر با اهمیت داشته باشد. ایراد دیگر این که قانون گذار در این ماده اساسا به خسارت معنوی توجهی ننموده در حالی که برخی اوقات بسیاری از خسارت های معنوی نیز جنبه ی مادی دارند و حتی شدید تر از آنها هستند به عنوان نمونه لطمه به شهرت تجاری یک شرکت در صورت افشاء اطلاعات مصداق خسارت معنوی است و به نوعی به سرمایه ی تجاری شرکت زیان وارد می کند که مورد اشاره قرار نگرفته است^۱ و در نهایت این که مفهوم خسارت مالی نیز روشن نیست. به عبارت دیگر آیا مراد از آن، صرفا سودهایی است که فرد در اثر استفاده از اطلاعات تحصیل نموده یا زیان هایی که فرد از خود دفع نموده نیز شامل می شود؟ با این ایرادات به نظر می رسد این احتمال نیز از توصیف اطلاعات مالی و تعیین قلمرو آنها عاجز است. قانون گذار باید به جای این معیار در این ماده به کارکرد اطلاعات توجه می نمود و لا اقل هر گونه اطلاعاتی که دارای کارکرد اقتصادی، بازرگانی و تجاری باشد را مالی قلمداد می کرد نه این که تنها به تعبیر مبهم زیان مالی در معنی مطلق کلمه بسنده کند.

بند سوم: اطلاعاتی که بر دارائی، بدهی و حقوق صاحبان سرمایه اثر بگذارد

احتمال سوم این است که اطلاعات مالی اطلاعاتی هستند که بر روی سه مولفه ی دارائی ها، بدهی ها و حقوق صاحبان سرمایه اثر بگذارد. دارائی ها، همان اموال و حقوق مالی متعلق به هر موسسه است که قابل تقویم به پول و دارای منافع آتی می باشد. در این تعریف منظور از اموال، انواع دارائی های مشهود و قابل لمس و رویت پذیر مانند موجودی نقد، ملزومات، اثاثیه، ساختمان و غیره و منظور از حقوق مالی، اقسام دیگر دارائی ها مانند مطالبات از اشخاص حقیقی و حقوقی (حساب های دریافتی، اسناد دریافتی، حق اختراع و غیره) می باشد. بدهی ها نیز مبالغی هستند که بازپرداخت آنها در تاریخ های معین بر عهده ی موسسه است. از انواع بدهی می توان به حساب های دریافتی اشاره کرد. حقوق صاحبان سرمایه نیز عبارت است از حقوق صاحب یا صاحبان موسسه نسبت به دارائی موسسه ی مذکور. در واقع زمانی که بدهی ها را از دارائی ها کسر نماییم، مانده را حقوق صاحبان سرمایه می نامند و یا به عبارت دیگر آن چه که پس از پرداخت بدهی ها و تعهدات

۱. حاجی عزیزی، بیژن. (۱۳۸۰). «روش های جبران خسارت در مسئولیت مدنی»، دو ماهنامه ی دانشور، دانشگاه شاهد، سال نهم، شماره ی ۳۶، ص ۶۵.

موسسه از دارائی‌ها باقی می‌ماند متعلق به صاحب یا صاحبان موسسه است^۱. به نظر می‌رسد بر اساس این معیار از بین تمامی اطلاعات تنها اطلاعاتی که در ایران قابل تطبیق بر این سه مولفه اند، اطلاعات مالی حسابداری هستند به عبارت دیگر تنها این اطلاعات هستند که به لحاظ اقتصادی ارزشمند و قابل تقویم با پول هستند. از جمله مصادیق این اطلاعات می‌توان به ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت حقوق صاحبان سهم اشاره کرد. ترازنامه یا بیلان عبارت است از صورتی که وضع مالی یک موسسه را در یک تاریخ معین نشان می‌دهد. در ترازنامه ارقام مربوط به هر یک از اشخاص طرف قرارداد بر اساس سه مولفه‌ی پیش گفته و با طبقه‌بندی جزئیات نمایش داده می‌شود. صورت سود و زیان، صورتی است که وضعیت فعالیت‌های مالی یک موسسه و نتیجه‌ی آن را طی یک دوره‌ی مالی نشان می‌دهد و صورت حقوق صاحبان سرمایه نیز یکی از صورت‌های مالی است که به وسیله‌ی آن میزان حقوق صاحبان سرمایه در انتهای دوره‌ی مالی محاسبه می‌گردد^۲. با تدقیق در احتمال مطرح شده به نظر می‌رسد این احتمال نیز دارای یک ایراد اساسی است و آن این است که قلمرو اطلاعات مالی تنها محدود به اطلاعات مالی حسابداری شده؛ در حالی که شاید قلمرو اطلاعات مالی قلمرو گسترده‌تری ای باشد که اطلاعات مالی حسابداری تنها یک مصداق از آن به شمار رود؛ به عبارت دیگر نمی‌توان لزوماً قائل به این نظر گردید که رابطه‌ی بین اطلاعات مالی و اطلاعات حسابداری تساوی است بلکه به نظر می‌رسد رابطه‌ی بین این دو عموم و خصوص من وجه است یعنی برخی اطلاعات حسابداری، اطلاعات مالی هستند و برخی از آنها اطلاعات مالی نیستند به عبارت دیگر اطلاعاتی همچون ورشکستگی، محافظه‌کاری، تقارن اطلاعات، ارقام تعهدی، مسئولیت اجتماعی و غیره هر چند ماهیتاً به حوزه‌ی مال مربوط نمی‌شوند اما جزو قلمرو اطلاعات حسابداری هستند و به تبع به دلیل اثر گذاری بر سه سنجه‌ی پیش گفته (هزینه، درآمد، حقوق صاحبان سهم) اطلاعات مالی به شمار می‌روند، بنابراین ضابطه‌ی مطرح شده در این احتمال نیز از توصیف مفهوم اطلاعات مالی عاجز است و ضابطه‌ی روشنی برای شناخت آنها نیست.

بند چهارم: اطلاعاتی که دارای ارزش مالی است

احتمال دیگری که در این خصوص وجود دارد این است که اساساً وصفی به نام اطلاعات

۱. عرب مازار یزدی، محمد. (۱۳۷۳). «ضرورت بازنگری جایگاه سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در آموزش و حرفه‌ی حسابداری»، فصلنامه‌ی بررسی‌های حسابداری، سال سوم، شماره ۹، ص ۲۷.

۲. مجتهد زاده، ویدا و طبری، سید حسین. (۱۳۷۰). *اصول حسابداری*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ص ۳۸ و ۳۷.

مالی در ادبیات حقوقی ایران وجود ندارد و تنها در صورتی که اطلاعات ویژگی مال در مفهوم سنتی را داشته باشند، دارای ارزش مالی هستند از این رو باید در وهله ی نخست به شناسایی مفهوم مال و ویژگی های آن پرداخت و سپس مفهوم آن را به اطلاعات توسعه بخشید.

فقها تعاریف متعددی از مال ارائه کرده اند به عنوان نمونه امام خمینی در کتاب البیع مال را این گونه تعریف کرده است: «مال چیزی است که مورد رغبت عقلا و تقاضای آنان است و بهایی را در قبال آن می پردازند»^۱ و یا می توان به تعریف آیت الله خویی در مصباح الفقاهه اشاره کرد: «در عرف مالیت امری است که از اشیاء به لحاظ آن که ذاتا مورد میل مردم واقع می شوند و برای وقت نیاز ذخیره می گردند و مردم در آن رغبت نموده و در مقابل آن اشیای مورد علاقه ی خود چون پول و غیر آن را می پردازند، انتزاع می گردد»^۲. خراسانی در حاشیه ی المکاسب مال را چیزی می داند که طبع انسانی به آن گرایش داشته، نفع عقلایی بر آن مترتب بوده و برای زمان احتیاج قابل ذخیره باشد^۳. غروی اصفهانی نیز در حاشیه ی کتاب مکاسب مال را به هر چیزی اطلاق کرده که عرف حاضر است در ازای آن بهایی پردازد^۴. از مجموع این تعاریف این گونه بر می آید که حقیقت مالیت از میل و رغبت مردم به اشیاء ناشی می شود. همچنین مال دارای قابلیت مبادله است و مردم در ازای آن بهایی پرداخت می کنند. نکته ی مهم دیگر این که، انتزاع مالیت صرفا از عین خارجی صورت نمی گیرد و در کلام فقیهان هیچ قیدی از این حیث مشاهده نمی گردد.

در قانون مدنی نیز تعریفی از مال ارائه نشده و مفهوم آن به عرف واگذار شده است. از بین حقوقدانان نیز هر کس به گونه ای به تعریف مال پرداخته است مثلا برخی مال را بر اساس ویژگی منفعت داشتن^۵ تعریف نموده و بر این اساس نفع را به دو قسم مادی و معنوی تقسیم کرده اند. مقصود از نفع مادی نفعی است که بتواند یکی از نیازهای جسمی و فیزیکی آدمی را مرتفع سازد و مقصود از نفع معنوی نفعی است که بتواند یکی از نیازهای روحی و معنوی انسان را برطرف

۱. خمینی، روح الله الموسوی. (۱۳۶۸). کتاب البیع، جلد اول، قم، انتشارات اسماعیلیان، ص ۲۰.
- ۲ «و فی العرف أن المالیة إنما تنتزع من الشيء بملاحظه كونه فی حد ذاته مما یمیل الیه النوع، و یدخرونه لانتفاع به وقت الحاجة، و یتنافسون فیہ، و یدلون بازائه شیء مما یرغب فیہ من النقود و غیرها، ضرورة أن منا من الحنطه لیس كالمن من التراب، فإن الأول ینتزع من عنوان المالیة دون الثانی و أما عند الشرع فمالیه کل شیء باعتبار وجود المنافع المحلله فیہ، فعدم المنفعه المحلله (کالخمر و خنزیر) لیس بمال». خویی، سید ابولقاسم. (۱۴۱۲ ه ق). مصباح الفقاهه فی المعاملات، جلد ۲، بیروت، انتشارات دارالهادی، ص ۳۰۲ و ۳۰۱.
۳. خراسانی، محمد بن کاظم. (۱۴۰۶). حاشیه ی المکاسب، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۱۴.
۴. غروی اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۱۸ ه ق). حاشیه کتاب مکاسب، جلد پنجم، چاپ اول، قم، انتشارات محقق، ص ۱۵.
۵. شهیدی، مهدی. (۱۳۷۷). تشکیل قراردادها و تعهدات، چاپ اول، تهران، انتشارات حقوقدان، ص ۱۹.

نماید و برخی آن را بر اساس مفید بودن تعریف نموده اند^۱. اما مبنای مفید بودن، مورد انتقاد واقع شده چرا که بسیاری از اشیاء در عالم، وجود دارند که برای جسم و روح ما مفیدند و در عین حال مال نیستند مثل خون که برای ما مفید است ولی تا زمانی که در بدن ما جریان دارد مال محسوب نمی‌شود. همچنین اشیائی مانند دریا، هوا، نور خورشید و نسیم صبحگاهی برای انسان مفید و دارای اهمیت هستند و نیاز انسان را برطرف می‌کنند ولی مال به حساب نمی‌آیند. از این رو جهت ارائه ی تعریفی جامع و مانع باید توجه داشت که مال نه یک حقیقت شرعیه و نه یک حقیقت قانونی است بلکه حقیقت عرفیه بوده است یعنی هر آنچه عرف آن را مال محسوب کند، مال است.

از دید عرف هر آن چه واجد دو ویژگی مرغوب بودن و واجد نفع و ارزش اقتصادی معقول باشد، مال است. منظور از مرغوب بودن این است که آن شیء نیازی از شخص را بر آورده سازد و برای او مفید باشد در عین حال، لازم نیست اشیاء مستقیماً نیازی از انسان را برطرف کنند تا دارای رغبت باشند؛ بلکه آنچه وسیله و واسطه قرار می‌گیرد تا اشیاء برطرف کننده ی نیازی از انسان تحصیل شود نیز مشمول عنوان مال قرار می‌گیرد. منظور از ارزش اقتصادی داشتن نیز آن است که اشخاص حاضر باشند در قبال دریافت آن پول پرداخت کنند یعنی آن شیء را مورد داد و ستد قرار دهند.

برای تعیین ارزشمندی یک شیء نظرات مختلفی ارائه شده است. برخی معتقدند که سنجه ی تعیین ارزش اقتصادی داشتن یک شیء، بنای عقلا به همراه امضای شارع است، یعنی اگر بنای عقلاء برای یک چیز ارزش قائل شود و از سوی شارع مقدس نیز ردع و منعی در پذیرش آن ارزش وارد نشده باشد، آن شیء مالیت دارد. آنها معتقدند که منافعی که در آن شیء وجود دارد باید مشروع و حلال باشد تا بتوان به آن عنوان مال اطلاق کرد بنابراین مشروبات الکلی و تریاک مال نیستند^۲ و خرید و فروش آنها نیز باطل و حرام است^۳ به عبارت دیگر آنها میان مالیت شرعی و عرفی قائل به تفکیک شده‌اند، بدین نحو که چیزی را مشمول مالیت عرفی می‌دانند که منفعت

۱. فرق بین مال و شیء، در این است که مال همواره دارای ارزش اقتصادی و قابل تقویم به پول است ولی شیء ممکن است دارای ارزش مبادله اقتصادی باشد یا نباشد، لذا هر مالی شیء است ولی هر شیء مال نیست به نقل از عدل، مصطفی (۱۳۸۵). حقوق مدنی، چاپ دوم، قزوین، انتشارات طه، ص ۳۱.

۲. به عبارت دیگر نه شارع مال را تعریف کرده و نه قانون گذار تعریفی از آن بدست داده است.

۳. هر چند عده ای دیگر از فقها به این استدلال خدشه وارد می‌کنند و معتقدند شرع مالیت عرفی را به کلی ساقط نمی‌کند بلکه بعضی آثار آن را سلب می‌کند (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۰).

۴. مکی عاملی، شمس الدین محمد (۱۴۱۲ هـ). *فقه الامام الصادق (ع)*، قم، انتشارات انصاریان، ص ۱۱۸.

عقلایی داشته باشد لیکن در مورد مالیت شرعی زاید بر منافع عقلایی قید محله را نیز اضافه کرده‌اند^۱

برخی بر این اعتقادند که برای دارا بودن ارزش اقتصادی لازم است میان مردم برای بدست آوردن شیء مورد نظر رقابت وجود داشته باشد و به عبارت دیگر، به وفور موجود نبوده و آن شیء از کمیابی و ارزشمندی برخوردار باشد، بنابراین اگر چیزی چنان فراوان شود که هرگاه اراده شود بدون هیچ رنج و زحمتی بتوان آن را بدست آورد، آن شیء مالیت ندارد^۲ مفهوم این عبارت این است که، هر چه دارای مطلوبیت و مرغوبیت در بین مردم باشد و مردم در بدست آوردن آن از همدیگر پیشی جویند، مال تلقی می‌شود.

برخی دیگر معتقدند که ارزشمندی یک چیز به اعتبار خاصیت و منفعی است که شیء متصرف به آن است پس اگر آن شیء دارای منفعت عقلایی باشد اعتبار می‌یابد جدا از این که اصلش مباح یا غیر مباح باشد^۳. این گروه معتقدند که مالیت شیء به وسیله ی رغبت مردم به آن شیء تعیین می‌شود حتی اگر شیء مورد نظر تنها نزد جماعتی ارزش داشته باشد، باز هم آن را قابل مبادله محسوب می‌کنند. این گروه از فقها ملاک ارزشمندی را شخصی می‌دانند و معتقدند که نیازی نیست تا شیء خاصی به طور نوعی و از دید عموم مردم مالیت داشته باشد تا مال تلقی شود بلکه در صورتی که شیء نیاز عده‌ای خاص را برطرف کند به گونه‌ای که مورد رغبت این دسته از افراد باشد، مال تلقی می‌شود؛ مانند آن که شخص به مرضی مبتلا باشد و درمان وی در همان چیزی باشد که دیگران به آن رغبتی ندارند ولی آن فرد حاضر باشد با مبلغ بالایی آن چیز را خریداری کند^۴. ملاک از شخص در این جا شخصی است که از عقل متعارف برخوردار است، به نحوی که عرف پس از آگاهی از نیاز وی و نقشی که آن شیء در رفع نیاز آن شخص ایفا می‌کند، به مالیت آن اذعان کند^۵. این گروه معتقدند که مالیت مفهوم نسبی دارد و به کارگیری آن بر حسب زمان و مکان متفاوت می‌شود^۶.

۱. «و فی العرف أن المالیة إنما تنتزع من الشيء بملاحظه كونه فی حد ذاته مما یمیل الیه النوع، و یدخرونه للارتفاع به وقت الحاجة، و یتنافسون فیہ، و یدلون بازائه شیء مما یرغب فیہ من النقود و غیرها، ضروره أن منا من الحنطه لیس كالمن من التراب، فإن الأول ینتزع من عنوان المالیة دون الثانی و أما عند الشرع فمالیه كل شیء باعتبار وجود المنافع المحلله فیہ، فعدم المنفعه المحلله (كالخمر و خنزیر) لیس بمال». خویی، سید ابولقاسم، (۱۴۱۲ هـ ق). مصباح الفقاهه فی المعاملات، جلد ۲، بیروت، انتشارات دارالهادی، ص ۳۰۲ و ۳۰۱.

۲. طباطبایی، سید محسن، (۱۳۷۹). نهج الفقاهه، جلد ۲، قم، انتشارات جواد قیومی، ص ۳۲۵.

۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷ هـ ق). الخلاف، جلد ۵، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ص ۴۱۷ و ۴۱۶.

۴. خمینی، روح الله الموسوی، (۱۳۶۸). کتاب البیع، جلد اول، قم، انتشارات اسماعیلیان، ص ۸۱۰.

۵. منتظری، حسین علی، (۱۴۱۵ هـ ق). دراسات فی المكاسب المحرمه، جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات دارالفکر، ص ۲۰۸.

۶. نسبت به مشروبات الکلی، مواد گردان پول پرداخت می‌شود و در جهان بیرونی دادوستد می‌شوند از این رو مال به

مفهوم این واژه از قابلیت اختصاص داشتن مجزا است ولی مرتبط با یکدیگر هستند. عدم قابلیت اختصاص شیء به فرد یا افراد خاص آن چیز را از مال بودن خارج نمی کند برای نمونه خوک و خمر گرچه به ملکیت در نمی آیند اما مال محسوب می شوند.

به این ترتیب می توان گفت معیار تشخیص مال به عرف شخصی واگذار شده است؛ که بسته به موقعیت های گوناگون مصادیق متفاوتی دارد که در نظام حقوقی ما همین معیار پذیرفته شده است.

با توجه به تعریف مال در آثار فقهی و عدم تقید آن به عین، حق یا منفعت بودن و همچنین پذیرش معیار عرفی شخصی (شخص متعارف و معقول) در تعیین و تشخیص مال و مالیت، هیچ منعی در پذیرش اطلاعات به عنوان مال وجود ندارد به عبارت بهتر چنانچه اطلاعاتی مورد رغبت اشخاص قرار گیرد و افراد حاضر باشند در ازای آن پول پرداخت کنند، مال محسوب شده و ارزش اقتصادی دارد بنابراین از بین چهار احتمال مطرح شده در فوق به نظر می رسد احتمال چهارم با واقع و منطق حقوقی سازگارتر است.

به سخن دیگر در صورتی که اطلاعات از منظر شخص معقول و متعارف ارزشمند باشد، پر واضح است که مال بوده و بنابراین اولین شرط برای هرگونه نقل و انتقال را دارا است^۱ البته باید به این امر مهم نیز توجه نمود که این اطلاعات باید به صورت محرمانه باشند، تا ارزشمندی خود را حفظ کنند چرا که اشخاص حاضر نیستند در قبال اطلاعاتی که در دسترس همگان است و عموم به آنها وقوف دارند، پول پرداخت کنند.

در نهایت ذکر این نکته ضروری است که اغلب شبهاتی که در خصوص مالیت اطلاعات وجود دارد ناشی از خطا در درک مفهوم مالکیت است، مالیت مفهومی اعتباری است و نه یک مفهوم عینی و واقعی. برخلاف مفاهیم واقعی که دارای عینیت خارجی بوده و حاکی از جهان

به شمار می روند و چون قانون به ویژه قانون مدنی همان طور که گفته شد مال را تعریف نکرده است، هیچ کس به ویژه قانون گذار نمی تواند به رابطه های خصوصی شهروندان رخنه کرده و چیزی را که داد و ستد می کنند، مال نداند جدا از این مال ندانستن برخی چیزهایی که مردم بابت آن پول پرداخت می کنند، سبب عدم حمایت جدی مقنن از آنها چه به لحاظ مدنی و چه کیفری می شود به سخن دیگر اگر نگاه بر این باشد که فیلم های مستهجن و یا غیره ارزشی نداشته باشند و دارنده ی آنها مالک شناخته نشود، راه برای دست اندازی دیگران باز بوده و این دست اندازی می تواند چهره ی نابه هنجار به خود گرفته و از سوی دیگر دارندگان را به پدافند و دادگستری خصوصی جهت احقاق حقشان رهنمون گردند.

۱. باید به این امر مهم نیز توجه نمود که اطلاعات دارای ارزش مالی چون در نزد عرف و یا طرف های پیمان ارزشمند هستند ضروری است محرمانه نگاه داشته شوند تا ارزش خود را حفظ کنند اما این به معنای آن نیست که هر اطلاعاتی که محرمانه نگه داشته می شود پس به تبع با ارزش است.

مستقل از ذهن ما هستند، مفاهیم اعتباری جنبه‌ی وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری داشته و با واقع سروکاری ندارند، ساخته‌ی انسان‌ها بوده و فاقد هرگونه تعیین خارجی‌اند به عبارت دیگر باید منشاء شبهه در مالیت اطلاعات را در ضرورت تعیین مادی موضوع آن دانست آن‌گاه استدلال کرد که چون مواردی مثل حق کسب و پیشه و تجارت وجود دارد که به رغم نداشتن تعیین مادی در مالیت آنها تردیدی نیست، بنابراین اطلاق مالیت به اطلاعات هر چند فاقد تعیین مادی است بلا اشکال است. در ادامه به تقسیم‌بندی اطلاعات دارای ارزش مالی و جایگاه قانونی این اطلاعات در قوانین ایران می‌پردازیم.

گفتار دوم: تقسیم‌بندی اطلاعات دارای ارزش مالی

اطلاعات دارای ارزش مالی از دو جهت قابل تقسیم‌بندی است: نخست به لحاظ ارزش و دوم به لحاظ قلمرو که در ادامه به تبیین آن می‌پردازیم.

بند نخست: تقسیم‌بندی اطلاعات مالی از جهت ارزش

اطلاعات مالی به لحاظ ارزش به دو قسم اطلاعات نوعاً مالی و اطلاعات شخصاً مالی تقسیم می‌شوند. اطلاعات ذاتاً مالی، به اطلاعاتی اطلاق می‌شود که فی‌نفسه دارای ارزش مالی‌اند و قابل تقویم به پول هستند، در قبال این اطلاعات عموم اشخاص حاضر به پرداخت پول هستند به طور مثال، اسرار تجاری مصدقی از این اطلاعات است که به دلیل حمایت قانونی از آن در ماده ۶۵ ی قانون تجارت الکترونیک به صراحت مال تلقی شده و قابل داد و ستد است؛ برخی اطلاعات نیز دارای ارزش تبعی مالی هستند و نه مطلقاً. این اطلاعات هر چند نوعاً در نزد همگان مال محسوب نمی‌شوند اما در نزد طرفین پیمان دارای ارزش مالی‌اند از جمله این اطلاعات می‌توان به کد معاملاتی اشخاص، شماره ی کارت بانکی آنها، شماره ی حساب، عکس‌های خصوصی اشخاص و اساساً هر اطلاعاتی با هر وصفی در صورتی که در نزد یک شخص معقول و متعارف ارزشمند باشد، اشاره کرد.

بند دوم: تقسیم‌بندی اطلاعات مالی به جهت قلمرو

اطلاعات مالی به لحاظ قلمرو به دو قسم تقسیم می‌شود: نخست اطلاعات مالی در فضای واقعی و دوم اطلاعات مالی در فضای سایبری. اطلاعات مالی در فضای واقعی، اطلاعات با ارزشی هستند

که محتوای اطلاعاتی آنها به اشکال ملموس و عینی در قالب دست نوشته، کتاب، بروشور، cd و غیره نمود می یابد. از مصادیق این اطلاعات می توان به صورت حساب مالی شرکت ها، ترازنامه، دفاتر شرکت ها، گزارشات پیش بینی مالی، گزارشات اعتبارسنجی و غیره اشاره کرد. این اطلاعات با توجه به قالب ذخیره شدنشان اغلب به سهولت قابل شناسایی اند. اما در فضای سایبری این گونه نیست و برای شناخت اطلاعات مالی باید به دو سنجه دقت نمود: نخست به ویژگی های اطلاعات در این فضا و دوم تسری یا عدم تسری ویژگی های مال به این قسم از اطلاعات^۱.

منقول، پویا و دگرگون پذیر بودن، سه ویژگی اطلاعات در فضای سایبری است. منظور از منقول بودن داده ها این است که حمل آنها از محلی به محل دیگر امکان پذیر است. این تعریف از منقول بودن در ماده ی ۱۹ قانون مدنی در مورد اموال منقول نیز استعمال شده است^۲. مثلاً وقتی داده های یک رایانه به سرقت می رود، سارق می تواند تمام فایل های داده را به طور یک جا بردارد به نحوی که دیگر در آن رایانه موجود نباشد. همین منقول بودن داده ها موجبات پویایی و سیال بودن آنها را فراهم آورده است؛ به گونه ای که داده ها به آسانی قابلیت کپی برداری و اصلاح دارند. داده ها به آسانی می توانند تنها از یک بخش کامپیوتر حذف و در بخش های دیگر ذخیره شوند از این رو داده ها به سختی حذف می شوند و سرانجام این که داده ها در فضای سایبر این قابلیت را دارند که به آسانی در معرض هر گونه تغییر، تحریف و محرر قرار گیرند^۳. سه ویژگی پیش گفته از جهاتی می توانند به آسیب پذیری داده ها بینجامند؛ از جمله این که به دشواری می توان پدید آورنده یا صادر کننده ی داده را شناخت، از تغییر در داده به دلیل فقدان ابزار خاص و پیشرفته مطلع شد، با نصب یک برنامه ی نه چندان پیشرفته داده ها را حذف کرد و نیز این که نقص سیستم بر خروجی داده ها اثر می گذارد، ابزارهای پردازشی بر روی اصل داده اثر می گذارد، افراد غیر مجاز به راحتی می توانند به داده ها دسترسی پیدا کنند، به دلیل ذخیره شدن داده ها در بخش های مختلف کامپیوتر اعم از کامپیوتر شخصی، اداری، منزل، سرورهای فاکس و غیره نسخه ی اصل از بین می رود و نسخه ی پشتیبان جایگزین نسخه ی اصل می شود و داده ها به سهولت توسط هکر ها و کراکرها ی رایانه ای کد گذاری و تحریف می شوند. همان گونه که ملاحظه می شود به همان اندازه که قابلیت های

۱. بهمن پوری، عبدالله، شادمان فر، محمد رضا و پور غلامی فرآشبندی، مجتبی. (۱۳۹۳). «بررسی فقهی و حقوقی مال بودن داده های رایانه ای»، نشریه ی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و هفتم، شعبه ی دوم، ص ۲۳۲.
 ۲. جلالی فراهانی، امیر حسین. (۱۳۸۶). «مزیت ها و محدودیت های فضای سایبری در حوزه ی آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حریم خصوصی»، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ی ۵۹، ص ۱۴.
 ۳. موحدی صفت، محمد رضا. (۱۳۸۶). «امنیت ملی در فضای سایبر، فرصت ها و تهدید ها با تاکید بر استقرار دولت الکترونیکی»، فصلنامه ی مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ی ۳۰، ص ۲۷۵.

فضای سایبر نسبت به جهان فیزیکی بیشتر است، آسیب پذیری آن نیز نگران کننده تر است؛ چرا که با وجود گسترش انواع ابزارهای امنیتی اجرا شدنی در سطح زیر بنایی، گره ها و نقاط پایانی، باز هم تعرض های رایانه ای که به مختل شدن کارکرد سیستم ها و از میان رفتن داده های رایانه ای می انجامد، روز به روز رو به فزونی است. وجود این گونه آسیب ها باعث شده که بسیاری از مراکزی که به امور حساس اشتغال دارند از اتصال سیستم های رایانه ای خود به شبکه های جهانی اطلاع رسانی خودداری کرده و به شکل آف لاین به اشتراک گذاری داده ها پردازند. درست است که در جهان فیزیکی نیز اطلاعات در معرض نا امنی های گوناگون قرار دارند اما این نا امنی ها و تهدیدات هیچ گاه جنبه ی همه جانبه ندارد و به شکل ساده تر و با در اختیار داشتن نیروها و امکانات نه چندان پیشرفته می توان امنیت را دوباره برقرار ساخت؛ اما در فضای سایبر عموماً تهدیدات علیه داده ها از چهار ناحیه صورت می گیرد: نخست کاربران خانگی که با ورود به سامانه های رایانه ای می توانند تهدیداتی را علیه داده ها به وجود آورند و معمولاً چون اثر خاصی از آنها در شبکه ثبت نمی شود، شناسایی آنها دشوار است. دوم موسسات بزرگ مانند شرکت های بزرگ تجاری که انگیزه های قوی مالی برای نفوذ به شبکه دارند. سوم بخش های دولتی که می بایست اطلاعات را به صورت اشتراکی در اختیار کاربران قرار دهند و خطر نفوذ در پایگاه داده در این قسمت بسیار وجود دارد. چهارم کاربران شبکه ی اینترنت که با نفوذ به سرورهای موجود در زیر ساخت ها می توانند باعث تغییر، تحریف و محو داده شوند.^۱ حال آیا می توان با توجه به این تهدیدات، اوصاف مال از جمله ارزش اقتصادی داشتن و قابلیت مبادله را به این اطلاعات سرایت داد؟ پاسخ منفی به نظر می رسد؛ چرا که تامین مالکیت، اصالت و محرمانگی اطلاعات در این فضا با توجه به اوصاف پیش گفته به نظر دشوار می نماید. افراد حاضر نمی شوند در قبال اطلاعاتی که در دسترس همگان است یا صحت و اصالت انتساب آنها مورد خدشه است، پول پرداخت کنند. تنها در یک صورت می توان برای اطلاعات در این فضا و صفت مالی قائل شد و آن هنگامی است که بتوان امنیت^۲ فضای سایبر را

۱. مودن زادگان، حسنعلی، سلیمان دهکردی، الهام ویوشی، مهشید. (۱۳۹۴). «حفظ صحت و استناد پذیری ادله ی الکترونیک با استفاده از بیومتریک و رمزنگاری»، فصلنامه ی پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره ی ۱۲، ص ۷۳.

۲. واژه ی امنیت چه به عنوان موضوع و چه در جایگاه یک ویژگی برجسته برای فضای سایبر بسیار پر کاربرد است و از جهت اندازه ی به کارگیری یک واژه در فضای سایبر، واژه ی دیگری با امنیت سایبری یا امنیت اطلاعات برابری نمی کند. امنیت محیط سایبر عبارت است از فقدان هر گونه تجاوز یا هنجار شکنی یا تهدید به آن نسبت به یکی از پنج موضوع داده ها و اطلاعات، شبکه ها و سیستم های رایانه ای و مخابراتی، کاربران و مشترکین اینترنتی، ارائه دهندگان خدمات اینترنتی و نهایتاً موضوعات بیرون از محیط سایبر که مرتکب با واسطه ی محیط سایبر در صدد تجاوز به آنها بر می آید. در باب تامین امنیت محیط سایبر در قالب طرح مباحث فنی، دایره ی تدابیر امنیتی عمدتاً محدود به مقولاتی چون مقابله با هکرها و کراکرها و

تامین کرد تا در پرتو آن سه ویژگی پیش گفته نیز حاصل گردد.

در این جا پرسشی دیگر پیش می آید که آیا اطلاعات مالی در فضای سایبر باید لزوماً در بستر سامانه های رایانه ای و مخابراتی یا به عبارت بهتر در بستر مبادلات الکترونیک تولید یا پردازش شوند و یا صرف استفاده از رایانه به عنوان فضایی برای انباشت و ذخیره کردن آنها کفایت می کند؟ در پاسخ به این پرسش دو احتمال قابل ارائه است. احتمال نخست این است که رایانه به عنوان ابزاری است که در آن داده ها می توانند ذخیره، پردازش و تولید شوند و همه ی داده ها اعم از داده های تولیدی، پردازشی و ذخیره ای در صورتی که به لحاظ اقتصادی ارزشمند باشند و محرمانه نگه داشته شوند اطلاعات مالی محسوب می شوند و رایانه در این حالت نقش وسیله را دارد و تنها شکل و قالب اطلاعات را عوض می کند. احتمال دوم این است که سامانه های رایانه ای و مخابراتی در تلقی اطلاعات به عنوان اطلاعات مالی نقش موضوعی دارند. داده ها در صورتی وصف اطلاعات مالی سایبری به خود می گیرند که در محیط سایبر تولید یا پردازش شده باشند و صرف ذخیره ی داده ای در فضای سایبر به آن وصف سایبری نمی بخشد. در این حالت اطلاعات همان اطلاعات واقعی است که تنها در محیط سایبری انباشته شده است.

با توجه به دو احتمال مطرح شده به نظر می رسد براساس احتمال نخست اطلاعات مالی دارای مفهوم موسعی هستند که پردازشگران، تولیدگران و ذخیره کنندگان به عنوان دارندگان و یا مالکان

اتخاذ فیلترینگ و نصب باروی آنتین یا سایر می شود که اساس این وظیفه بر عهده ی ارائه دهندگان خدمات اینترنتی قرار می گیرد. از منظر حقوقی امنیت سایبری در دو مفهوم مضیق و موسع به کار می رود. در مفهوم مضیق، منظور اتخاذ تدابیر فنی و پیش گیرانه برای تامین امنیت شبکه ها و اطلاعات است. در این مفهوم اقدامات غیر فنی جایگاهی نداشته و اشخاص موضوع مستقیم تدابیر امنیتی قرار نمی گیرند همچنان که تامین امنیت فراتر از محیط سایبر را در بر نمی گیرد اما در مفهوم موسع دو قسم از تدابیر را برای تامین امنیت در محیط سایبر می توان اشاره کرد: الف) تدابیر مستقیم یا اصلی: این تدابیر به کلیه ی تدابیر فنی و قانونی گفته می شود که برای تامین امنیت دو موضوع زیر به کار می رود نخست: داده ها و اطلاعات رایانه ای که از مرحله ی ورودی یا تولید تا ذخیره و انتشار و مورد استفاده قرار گرفتن در معرض انواع رفتارهای مخرب و مختل کننده است که این رفتارها موجب نابودی یا افشای داده ها در این فضا می شود. دوم: سیستم ها و شبکه های رایانه ای و مخابراتی. سیستم و شبکه نیز همچون داده آسیب پذیر بوده و از آن جا که با موجودیت داده معنا می یابد اقداماتی نظیر انتشار و پروس، اختلال در کارکرد و بازدهی، ممانعت از ترافیک و دسترسی داده و... امنیت آنها را به شدت تهدید می کند و از این رو برای سلامت و امنیت داده و سیستم اقدامات پیش گیرانه ای نظیر باروی آنتین، نصب گذر واژه و... مورد تاکید قرار می گیرد. ب) تدابیر واسطه ای: این تدابیر در پی تنظیم مقررات مناسب برای فضای سایبر است تا به واسطه ی آن هدف اصلی یعنی امنیت فضای سایبر تامین شود. در پرتو تامین امنیت، اطلاعات به آسانی سرقت نمی شوند، در معرض دسترسی غیر مجاز قرار نمی گیرند و به آسانی تغییر، محو، تحریف و هک نمی شوند و صحت اصالت و انتسابشان به تولید کننده و پردازش کننده تامین می گردد. در این صورت اطلاعات محرمانه باقی می ماند و افراد حاضر می شوند در قبال دریافت آنها پول پرداخت کنند. برای مطالعه ی بیش تر رجوع کنید به هاتف، مهدی، (۱۳۸۸). «چالش ها و چشم اندازهای امنیت در فضای مجازی»، دو ماهنامه ی توسعه ی انسانی پلیس، سال ششم، شماره ی ۲۲.

آن اطلاعات تلقی می‌شوند اما با توجه به احتمال دوم تنها تولیدکنندگان و پردازشگران اطلاعات، اطلاعاتشان در صورت ارزشمند بودن و محرمانه بودن، اطلاعات مالی سایبری قلمداد می‌شود؛ اما اطلاعاتی که صرفاً در محیط سایبری ذخیره شده اما در این بستر تولید یا پردازش نشده‌اند داخل در این قلمرو قرار نمی‌گیرند چرا که آن چه مقوم مالی بودن اطلاعات است ارزشمند بودن آنها و آن چه مقوم سایبری تلقی کردنشان است تولید یا پردازش شدن این اطلاعات در فضای سایبر^۱ است به همین ترتیب احتمال نخست به واقع نزدیک تر است و دلیلی بر محدود نمودن قلمرو اطلاعات با ارزش سایبری به اطلاعاتی که تنها در این بستر تولید می‌شوند وجود ندارد به عبارت بهتر حتی اگر رایانه صرفاً محل انباشت اطلاعات دارای ارزش مالی نیز باشد این امر تاثیری در مالیت آنها ندارد و این اطلاعات دارای ارزش مالی هستند.

۱. بستر اطلاعات مالی در فضای سایبر به معنی جایگاه اطلاعات مالی و نقش اطلاعات در این فضا است. اطلاعات در این فضا تنها در بستر رایانه ای تولید می‌شود. سیستم رایانه ای بر گرفته از دو جزء سیستم و رایانه است که در بیش تر موارد به جای همدیگر به کار می‌روند اما با کنکاش در معنای این دو واژه می‌توان دریافت که سه واژه سیستم، رایانه و سیستم رایانه ای معنای یکسان ندارند. سیستم واژه ای است که در بیش تر دانش ها و نیز در بسیاری از امور و فعالیت های اجرایی و اداری بر زبا آنها می‌افتد و بر حسب جایگاه به کارگیری اش دارای معانی ویژه مانند روش چارچوبمند است. ولی در ارتباط با جهان سایبری عبارت از مجموعه ای از عناصر است که برای انجام یک کنش با یکدیگر کار می‌کنند. یک سیستم سخت افزاری متشکل از یک ریز پردازنده، تراشه، سیم و مدارهای مرتبط با آن، وسایل ورودی و خروجی و وسایل جانبی است. یک سیستم عامل متشکل از مجموعه ای از برنامه ها و فایل های داده ای یا یک سیستم مدیریت بانک اطلاعاتی است که برای پردازش انواع خاصی از اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد. رایانه هر وسیله ای است که قابلیت پردازش اطلاعات را جهت تولید نتیجه ی مورد نظر دارا باشد. بدون توجه به بزرگی و کوچکی کامپیوتر ها آنها عموماً کارهای خود را در سه مرحله ی تعریف شده، انجام می‌دهند: (۱) پذیرش ورودی (۲) پردازش ورودی مطابق با قوانین از پیش تعریف شده (برنامه ها) (۳) تولید خروجی. در دو تعریف گفته شده روشن است که در نزد عرف رایانه دانان، منظور از سیستم همان رایانه است و رایانه هم یک سیستم است از این رو گاهی به جای هم به کار برده می‌شوند. تنها حسن به کار گرفتن واژه سیستم رایانه ای آوردن جنبه های نرم افزاری و سخت افزاری در کنار یکدیگر است. هم اکنون واژه سیستم رایانه ای در بند و ماده ی ۲ قانون تجارت الکترونیکی استفاده شده است. به این ترتیب می‌توان گفت سیستم رایانه ای هر نوع دستگاه یا مجموعه ای از دستگاه های متصل سخت افزاری - نرم افزاری است که از طریق اجرای برنامه های پردازش خودکار داده پیام عمل می‌کند. در قانون جرایم رایانه ای به جای واژه سیستم از سامانه بهره گرفته شده است. شبکه ی رایانه ای نیز به گروهی از کامپیوتر ها و وسایل مرتبط دیگر گفته می‌شود که به وسیله ی تسهیلات ارتباطی به یکدیگر متصل می‌شوند. ارتباط موارد مذکور در شبکه ممکن است با اتصالات دائمی مثل کابل ها یا اتصالات موقتی چون خطوط تلفن یا دیگر پیوند های ارتباطی باشد. یک شبکه می‌تواند شبکه ی محلی متشکل از چند کامپیوتر، چاپگر و وسایل دیگر باشد و یا از تعداد زیادی کامپیوتر کوچک و بزرگ که در نقاط جغرافیایی مختلف توزیع شده اند، تشکیل شود. این شبکه ها به ترتیب با توجه به اندازه و چگونگی رایانه ها پیشرفت داشته و خود به خود زمینه ساز تراکنش اطلاعات از رهگذر شبکه ی اینترنت شدند. شبکه ی اینترنت نیز خود بر سه گونه است: میان شبکه، فرا شبکه و جهان شبکه. بنابراین دیده می‌شود که ستون اینترنت شبکه است و بدون پیوند چندین رایانه به همدیگر نمی‌توان از شبکه ی جهانی سخن گفت برای مطالعه ی بیش تر بنگرید به کتاب حقوق کیفری فناوری اطلاعات نگارش حسن عالی پور.

گفتار سوم: جایگاه اطلاعات دارای ارزش مالی در قوانین

قانون‌گذار در قوانین بالادستی از جمله قانون اساسی، فرمان هشت ماده ای امام خمینی، قانون برنامه‌ی پنجم توسعه و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به حمایت از اطلاعات دارای ارزش مالی به طور ضمنی پرداخته است. در اصل ۲۲ قانون اساسی آمده: "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند". در این اصل که در خصوص مصونیت از تعرض به تصویب رسیده، از اموال به مثابه‌ی یک کل حمایت شده که اطلاعات دارای ارزش مالی را نیز می‌توان در ذیل آن قرار داد، هر چند در زمان تصویب این اصل غلبه با اموال در مفهوم عینی و سنتی بوده است. در اصل ۴۶ این قانون نیز قانون‌گذار از حاصل کار اشخاص حمایت به عمل آورده و هر شخص را مالک کار خویش قلمداد نموده است. کار اشخاص هم می‌تواند شامل کار یدی و هم فکری باشد، بنابراین تولید کردن اطلاعاتی که دارای ارزش مالی هستند نیز در اغلب موارد یک تولید فکری است که مقنن به آن توجه نموده است. در اصل ۴۷ این قانون نیز مقنن از مالکیت اشخاص حمایت به عمل آورده است. مالکیت نیز به دو قسم مالکیت عینی و فکری تقسیم می‌شود که برخی از اطلاعات دارای ارزش مالی نیز می‌تواند در شمول مالکیت فکری قرار گیرد. در ماده‌ی ۵ فرمان هشت ماده ای امام خمینی نیز از اموال به صورت کلی حمایت شده که می‌توان اطلاعات دارای ارزش مالی را نیز ذیل آن قرار داد. در ماده‌ی ۲۳۱ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه نیز مقنن به بحث حفاظت از اطلاعات رایانه ای پرداخته و سخنی از مال یا اطلاعات دارای ارزش مالی به میان نیاورده است.^۱ در بند ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز مقنن از اعمالی که مخل رقابت شوند، سخن به میان آورده که یکی از این اعمال کسب و استفاده‌ی غیر مجاز از اطلاعات دارای ارزش مالی عنوان شده است. در بند ۱ بخش ۴ این ماده آمده: «کسب و بهره برداری غیر مجاز از هرگونه اطلاعات داخلی رقبا در زمینه‌ی تجاری، مالی، فنی و نظایر آنها ممنوع است». اطلاعات دارای ارزش مالی مذکور در این ماده اعم از اطلاعات مالی سنتی و اطلاعات مالی سایبری هستند. در قوانین عمومی از جمله قانون جرایم نیروی مسلح، قانون تجارت الکترونیک، قانون جرایم رایانه ای، قوانین بانکی، قانون تاسیس بیمه‌ی مرکزی ایران، قانون بورس و اوراق بهادار، قانون ثبت اختراعات، طرح‌ها و علائم تجاری و قانون

۱. در بند ۶ لایحه‌ی برنامه‌ی ششم توسعه به صراحت از اسناد مالی سخن به میان آورده است که منظور از آن اطلاعات دارای ارزش مالی است اعم از این که این اسناد به صورت سنتی یا الکترونیک باشد.

حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان نیز به مصادیقی از این اطلاعات پرداخته شده است. در بند ج ماده‌ی ۲۴ قانون نیروی مسلح آمده: "هر نظامی که اسرار نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و یا صنعتی مربوط به نیروهای مسلح را به دشمنان داخلی یا خارجی یا بیگانگان یا منابع آنان تسلیم و یا آنان را از مفاد آن آگاه سازد جاسوس محسوب و به مجازات محارب محکوم خواهد شد". در این مقرر قانون‌گذار از اسرار اقتصادی حمایت نموده است. منظور از اسرار اقتصادی در این ماده نیز اطلاعات دارای ارزش مالی است. در ماده‌ی ۶ و ۷ قانون تجارت الکترونیک مقنن به ارزش اثباتی امضای الکترونیک و داده پیام عادی توجه نموده و در ماده‌ی ۱۴ و ۱۵ این قانون ارزش اثباتی داده پیام مطمئن را مورد توجه قرار داده است گرچه مواد یاد شده از این قانون تنها به ارزشمندی این داده‌ها به لحاظ اثباتی توجه شده و نه ارزشمندی این اطلاعات به لحاظ مالی اما در برخی از مواد دیگر این قانون، قانون‌گذار از داده پیام‌های دارای ارزش مالی حمایت کرده یا مصادیقی از این اطلاعات را مورد حمایت قرار داده است. برای نمونه در ماده‌ی ۶۸ در بحث جعل رایانه‌ای قانون‌گذار از داده پیام‌های دارای ارزش مالی حمایت کرده یا در ماده‌ی ۶۵ این قانون قانون‌گذار از اسرار تجاری حمایت به عمل آورده یا در ماده‌ی ۶۶ این قانون که از علائم تجاری حمایت نموده است. در بند ج ماده‌ی ۱ پیش‌نویس لایحه‌ی جرایم رایانه‌ای نیز، به ارزش مالی داشتن داده اشاره شده بود. در این بند آمده بود: «هر نمادی از وقایع، اطلاعات یا مفاهیم به شکلی مطلوب برای پردازش در یک سیستم رایانه‌ای که شامل برنامه‌ای مناسب است و باعث می‌شود که سیستم رایانه‌ای عملکرد خود را به مرحله اجرا گذارد. داده دارای ارزش مالی است» اما در در قانون جرایم رایانه‌ای این بند حذف شد و قانون‌گذار از مطلق داده‌ها صرف نظر از ارزش مالی داشتن یا نداشتن حمایت به عمل آورد. در قوانین پولی و بانکی نیز اساساً اشاره‌ای به اطلاعات دارای ارزش مالی نشده و تنها بر ضرورت حفاظت از اطلاعات محرمانه در بند ۱۰ ماده‌ی ۱۴ و بند ج ماده‌ی ۲۰ قانون پولی و بانکی کشور تاکید شده که این تعبیر هم می‌تواند ناظر بر برخی از مصادیق اطلاعات مالی اشخاص نزد بانک‌ها از جمله جمع ترازنامه، میزان سرمایه‌ی فعلی، موجودی‌های نقد، موجودی کالا، اموال غیر منقول، جمع بندی و نیز کلیه‌ی عملیاتی که مشتری توسط بانک انجام می‌دهد مانند بروات تنزیلی یا وثیقه‌ای، نام برات گیران و پشت نویسان، نوع مقدار سهام سپرده و تضمینی، مانده حساب‌های مشتری و گردش آنها، نوع و مقدار حواله‌ها و نام گیرندگان پول باشد و هم می‌تواند ناظر به اطلاعات دارای ارزش مالی خود بانک از قبیل صورت‌های مالی، پیش‌بینی‌های مالی و گزارشات اعتبار سنجی و غیره باشد. در این قوانین نیز تنها بر ضرورت حفاظت از این اطلاعات به طور ضمنی تاکید شده

وقلمرو شمول این اطلاعات مشخص نیست. در ماده ی ۲۹ قانون تاسیس بیمه ی مرکزی ایران نیز قانون گذار اعضای شورای عالی بیمه را از افشای اطلاعات محرمانه ای که در اجرای وظایف محوله بدست آورند، منع کرده است. بخشی از مصادیق این اطلاعات می تواند ناظر به اطلاعات دارای ارزش مالی بیمه گذاران و برخی نیز ناظر به اطلاعات دارای ارزش مالی خود بیمه گر باشد. در این قانون نیز دامنه ی شمول این اطلاعات مشخص نیست و تنها ضرورت حفاظت از اطلاعات محرمانه به اعضای شورای عالی بیمه گوشزد شده است. در بند ۳۲ ماده ی ۱ قانون بورس اوراق بهادار نیز قانون گذار به تعریف اطلاعات نهانی پرداخته است. در این بند آمده: "اطلاعات نهانی هر گونه اطلاعات افشاء نشده برای عموم است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به اوراق بهادار، معاملات یا ناشر آن مربوط می شود و در صورت انتشار بر قیمت یا تصمیم سرمایه گذاران برای معامله ی اوراق بهادار مربوط اثر می گذارد". این اطلاعات از زمره ی مصادیق بارز اطلاعات دارای ارزش مالی محسوب می شوند. قانون گذار در بند ۱ و ۲ ماده ی ۴۶ همین قانون نیز افشاء و استفاده از این اطلاعات خارج از کانال مقرر قانونی و همچنین معامله ی متکی بر این اطلاعات را جرم محسوب نموده است. در ماده ی ۳۰ قانون ثبت اختراعات، طرح ها و علائم تجاری نیز قانون گذار از نام ها و علائم تجاری سخن به میان آورده است که این نام ها و علائم نیز در زمره ی اطلاعات دارای ارزش مالی محسوب قلمداد می شوند. در ماده ی ۴۸ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان نیز قانون گذار از مصادیقی از اطلاعات دارای ارزش مالی در فضای سستی سخن به میان آورده که به عنوان نمونه می توان به کتاب، رساله، جزوه، نمایشنامه و نوشته ای فنی، ادبی و هنری، شعر، ترانه، تصنیف که به هر شکل ضبط و ثبت شده باشد، اثری که جنبه ی ابداع و ابتکار دارد، اثر موسیقی که به هر ترتیب نوشته یا ضبط شده باشد، اشاره کرد.

قانون گذار در فواصل بین سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ به تصویب موافقت نامه هایی در قالب قوانین همت گماشت که در آنها نیز از اطلاعات مالی و شیوه ی حمایت از آنها سخن به میان آمده که از جمله می توان به موافقت نامه ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلوونی مصوب ۱۳۹۱ و موافقت نامه ی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق ۱۳۹۳ اشاره کرد. در بند ج بخش ۲ ماده ی ۲۶ موافقت نامه ی ایران و اسلوونی آمده: اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشاء هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرایند تجاری شود یا افشاء آن خلاف خط مشی عمومی و نظم عمومی باشد. در متن این ماده به صراحت ذکر شده که هیچ یک از طرفین پیمان حق ندارند یکدیگر را به افشاء اسرار تجاری، شغلی، صنعتی،

بازرگانی یا حرفه‌ای و ادار سازند. این اسرار مصادیقی از اطلاعات دارای ارزش مالی اند که در این موافقت نامه از محرمانگی آنها حمایت به عمل آمده است. در موافقتنامه ی بین ایران و عراق نیز قانون گذار به طور مجدد به ذکر این ممنوعیت پرداخته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه شده به نظر می رسد اساساً وصفی به نام اطلاعات مالی در ادبیات حقوقی ما به رسمیت شناخته نشده و آن چه که مسامحتاً از آن به عنوان اطلاعات مالی یاد می شود، اطلاعات دارای ارزش مالی است به عبارت دیگر چنانچه اطلاعات، اوصاف مال را داشته باشند، مالی محسوب می شود. از جمله مهم ترین این اوصاف ارزش اقتصادی داشتن این اطلاعات نزد عقلاء است به عبارت دیگر ملاک مالیت شخصی است و نه نوعی و آن چه که در نزد شخص معقول و متعارف قابل مبادله است، مال است. اطلاعات نیز در هر بستری اعم از سنتی و سائیری و در هر شکل و قالبی اعم از نوشتاری، صوتی، برنامه ای و با هر وصفی اعم از سیاسی، تجاری، اقتصادی، حسابداری و غیره برای دارنده ی آنها اعم از شخص حقیقی و حقوقی مالیت دارد، چرا که در عرف عقلا دارای ارزش اقتصادی است، حتی می توان ادعا نمود که در دید خردمندان با توجه به گسترش روز افزون تجارت و اقتصاد ارزش این گونه اطلاعات به مراتب بیش تر از اموال سنتی است. در قوانین بالادستی و عادی نیز، قانون گذار یا از اموال در معنای کلی آن سخن به میان آورده و یا صرفاً به مصادیقی از این اطلاعات به صورت موردی و در ذیل عناوین اسرار تجاری، اقتصادی، بانکی، نهانی، حرفه ای و غیره اشاره نموده است از این رو بر قانون گذار است که با توجه به ضابطه ی پیش گفته به توصیف دقیق این اطلاعات بپردازد و قلمرو شمول آنها را تعیین کند تا در پرتو این امر بتواند حمایت مدنی و کیفری لازم را از آنها به عمل آورد.

فهرست منابع فارسی

- امامی، سید حسن. (۱۳۷۷). *حقوق مدنی*، جلد اول، تهران، انتشارات اسلامیة
- باریکلو، علیرضا. (۱۳۹۰). *اموال و حقوق مالی*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- باقری، محمود و گودرزی، مریم. (۱۳۸۸). «مقایسه ی نظام حمایتی اسرار تجاری و نظام حق اختراع»، فصلنامه ی حقوق، مجله دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ی ۳۹، شماره ی ۱، صفحات ۶۲-۴۱.
- بهمن پوری، عبدالله، شادمان فر، محمد رضا و پور غلامی فر اشنبدی، مجتبی. (۱۳۹۳). «بررسی فقهی و حقوقی مال بودن داده های رایانه ای»، نشریه ی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و هفتم، شعبه ی دوم، صفحات ۲۴۴-۲۳۱.
- جلالی فراهانی، امیر حسین. (۱۳۸۶). «مزیت ها و محدودیت های فضای سایبری در حوزه ی آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حریم خصوصی»، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ی ۵۹، صفحات ۱۰۰-۶۱.
- حاجی عزیزی، بیژن. (۱۳۸۰). «روش های جبران خسارت در مسئولیت مدنی»، دو ماهنامه ی دانشور، دانشگاه شاهد، سال نهم، شماره ی ۳۶، صفحات ۶۲ تا ۷۲.
- رهبری، ابراهیم. (۱۳۸۸). *حقوق اسرار تجاری*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- رهبری، ابراهیم. (۱۳۸۸). «نقش قراردادهای محدود کننده در حمایت از اسرار تجاری مطالعه در حقوق آمریکا، انگلستان، فرانسه و ایران»، مجله ی تحقیقات حقوقی، شماره ی ۵۰، صفحات ۵۳۱ تا ۵۸۶.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۷۷). *تشکیل قراردادهای و تعهدات*، چاپ اول، تهران، انتشارات حقوقدان.
- عدل، مصطفی. (۱۳۸۵). *حقوق مدنی*، چاپ دوم، قزوین، انتشارات طه.
- عرب مازار یزدی، محمد. (۱۳۷۳). «ضرورت بازنگری جایگاه سیستم های اطلاعاتی حسابداری در آموزش و حرفه ی حسابداری»، فصلنامه ی بررسی های حسابداری، سال سوم، شماره ی ۹، صفحات ۲۲-۴۲.
- عالی پور، حسن. (۱۳۹۵). *حقوق کیفری فناوری اطلاعات*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خرسندی.

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). *حقوق مدنی اموال و مالکیت*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر.
- موحدی صفت، محمد رضا. (۱۳۸۶). «امنیت ملی در فضای سایبر، فرصت ها و تهدید ها با تاکید بر استقرار دولت الکترونیکی»، فصلنامه ی مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ی ۳۰، صفحات ۲۷۶-۲۴۶.
- موذن زادگان، حسنعلی، سلیمان دهکردی، الهام ویوشی، مهشید. (۱۳۹۴). «حفظ صحت و استناد پذیری ادله ی الکترونیکی با استفاده از بیومتریک و رمزنگاری»، فصلنامه ی پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره ی ۱۲.
- مجتهد زاده، ویداو طبری، سید حسین. (۱۳۷۰). *اصول حسابداری*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- هاتف، مهدی. (۱۳۸۸). «چالش ها و چشم اندازهای امنیت در فضای مجازی»، دو ماهنامه ی توسعه ی انسانی پلیس، سال ششم، شماره ی ۲۲. صفحات ۱۱۷-۹۳.
- عربی**
- خویی، سید ابولقاسم. (۱۴۱۲ ه ق). *مصباح الفقاهه فی المعاملات*، جلد ۲، بیروت، انتشارات دارالهادی.
- خمینی، روح الله الموسوی. (۱۳۶۸). *کتاب البیع*، جلد اول، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- خراسانی، محمد بن کاظم. (۱۴۰۶). *حاشیه ی مکاسب*، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طباطبایی، سید محسن. (۱۳۷۹). *نهج الفقاهه*، جلد ۲، قم، انتشارات جواد قیومی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ه ق). *الخلاف*، جلد ۵، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم.
- غروی اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۱۸ ه ق). *حاشیه کتاب مکاسب*، جلد پنجم، چاپ اول، قم، انتشارات محقق.
- منتظری، حسین علی. (۱۴۱۵ ه ق). *دراسات فی مکاسب المحرمه*، جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات دارالفکر.
- مکی عاملی، شمس الدین محمد. (۱۴۱۲ ه ق). *فقه الامام الصادق (ع)*، قم، انتشارات انصاریان.